

هدایایی از آیکس

بخش نوبل آکزیوس

وین دایر

محمد رضا آل یاسین

ISBN : 978-964-65819-8

فہرست

صفحہ	عنوان
۵	مقدمہ
۷	سرآغاز

بفش اول: اورانوس

۱۲	فصل اول: ورود
۲۴	فصل دوم: ایکیس
۴۱	فصل سوم: دومین ملاقات

بفش دوم: زمین

۸۰	فصل چہارم: نخستین مشاہدات
۹۵	فصل پنجم: آخرین مشاہدات ایکیس
۱۲۵	فصل ششم: طرح ایکیس

بفش سوم: ہدایای ایکیس

۱۴۸	فصل ہفتم: گفت و شنودی در بارہ واقعیت‌های محض
۲۱۳	فصل ہشتم: واکنش‌های ناشی از واقعیت‌های محض
۲۲۵	فصل نہم: رازهای عالم ہستی
۲۵۲	سخن آخر

به نامتالکلسه ا و لوشول در روم به یک دستا معاد خانه که در ایتلیا
در روم ایتلیا ا دستا فتلیا اهلان تیسایا در سلطنته روم به
ا تیسایا روم دستا ایتلیا و فتلیا خیمه و فتلیا بولقه ا ایتلیا
ا ایتلیا روم به ا ایتلیا روم به ایتلیا روم به ا ایتلیا روم به
ا ایتلیا روم به ا ایتلیا روم به ا ایتلیا روم به ا ایتلیا روم به

مقدمه

داستانسرایان و نقالان در تمام طول تاریخ ارتباط ما را با مردمان
عصرها و نسل های گذشته برقرار کرده اند. از داستانهای آسوپ^(۱)
(نویسنده افسانه ای یونان) و حکایت های انجیل گرفته تا نوشته های
جانانان لیوینگ استون سگال^(۲) و بسیاری از منابع مدرن و تاریخی
دیگر. و اکنون ما می توانیم در مقام یک ناظر عینی کنار بایستیم و با
چشمان ذهن این ماجراها را ارزیابی کرده و از آن نکته ها بیاموزیم.
نیش انتقاد که در این آثار به چشم می خورد چندان دردناک و گزنده
نیست. هر عمل و عکس العمل برای همه از جمله فرزندان سرگردان
نسل پریشان معاصر به طور یکسان اتفاق افتاده است. در عین حال
آسان و بی تکاپو درمی یابیم که چگونه واقعیت های مسلّم و ذات
کیهانی به همه ما تعلق دارد. از طریق این مثالهای افسانه ای می توانیم
با مفاهیم احساسات و رفتارهای تازه رو به رو شویم و جهت گیری
تازه ای را در زندگیمان آغاز کنیم.

در دنیای امروز علم و تکنولوژی گسترده وسیعی از امکانات را در

اختیار ما قرار داده است. در صورتی که گرایشها و احساساتمان در جنبه‌های مختلف به این نسبت تکامل نیافته است. از آنجایی که همواره عقاید کهنه و منسوخ گذشته و برداشت‌های نادرست از جهانمان را با خود یدک می‌کشیم، برای استفاده از فرصتهای قابل دسترس به طور کامل آمادگی نداریم.

اکنون تصور کنید که اگر جهانگردی هوشمند از سیاره‌ای دیگر به کره خاک سفر کند و با سیستم‌های پیچیده ما روبه‌رو شود، چه واکنشی نشان خواهد داد؟ آیا می‌توانیم به آسانی و بدون اندک تلاش با او همساز و هماهنگ شویم؟ آیا برای یک بررسی عینی و برداشتن پرده‌ها از روی هشیاریمان به اندازه کافی آمادگی داریم. کتاب هدایایی از آیکیس ارتباط و گفتگو بین فردی در سیاره خاک و موجودی از سیاره اورانوس است.

هر دو آرام، خوش‌مشرب‌اند و برای یکدیگر زندگی شیرین، شکوهمند، کامروا و سالم آرزو می‌کنند. گفت و شنود این دو نفر به ما امکان می‌دهد موقعیت خویش را در جوامع کنونی در محک آزمون گذاریم و در باره این که پس از پذیرش این واقعیت‌ها از کجا ممکن است سردرآوریم در بحر تأمل و تعمق فرو رویم. شکل و طرح این حکایت ممکن است افراد زیادی را به کنجکاوی و تحقیق ترغیب کند. اما سرانجام همه ما باید به درون بنگریم، پرده‌ها را یکی پس از دیگری برداریم و ژرف‌ترین نگرشهایمان را بررسی کنیم. همانگونه که ملاحظه خواهید کرد آیکیس واقعاً زندگی می‌کند.

وین‌دایر

سر آغاز

کتابخانه به مکانی می‌گویند که کتابها و گزارشهای آن به امانت گرفته شده و پس از مطالعه بازگردانده می‌شود. روزی در میان قفسه‌های کتابخانه و در میان دست‌نوشته‌هایی بر روی کاغذ و پوست، که سمبل عقل و حکمت گذشته است، غوطه می‌خوردم. در حالی که کلاه فارغ‌التحصیلی درجه دکترایم مانند بینی شل و آویزان، بر روی شانهم کج و کوله شده و مدرکی که صلاحیت حرفه‌ای‌ام را تایید می‌کرد در زیر آرنجم تاخورده و چروکیده شده بود، مقاله‌ای از برتراند راسل را تحت عنوان «شادمانی» به دست گرفتم و این چیزی بود که در تمام مدت زندگی‌م تا به آن روز جستجویش کرده اما هیچ‌گاه در میان خطوط به ظاهر بی‌پایان کتابهای درسی نیافته بودم.

فردی در پشت سرم به من نزدیک شد. صدای پایش را که به آرامی بر روی زمین می‌کشید شنیدم و وی را شناختم. بعضی‌ها در دانشگاه او را «چلاق» می‌نامیدند، افراد نامهربان «خنک و فرتوت» خطابش می‌کردند. با وجود این در جامعه گسترده و جهانی دانشمندان، بخصوص فیزیکدانها هنوز سری در میان سرها داشت و به قول